

Durability and Dynamism of Cultural identity in Recent Residential Complexes; Case Study: Kermanshah Residential Complexes From 1980*

Abstract

Cultural identity and the analysis of its dimensions and components are among the most important issues facing developing societies. There are many studies in this field, but no reliable theoretical knowledge has been written, that can provide practical models for the durability and dynamism of cultural identity and illustrate its relationship with architecture. The importance of studying the issue of identity in residential areas is reflected in the impressive changes in the architecture and urban planning of cities in the 21st century. Developments in residential spaces are gradually doubling after land reform, urban population growth, and the use of new construction technologies. Kermanshah is one of the developing metropolises that has undergone many changes since developments of the Pahlavi period. The purpose of this study is to find the relationship between cultural identity and architecture of residential spaces and explain the position of durability and dynamism within this relationship. Based on Structuration theory, architecture acts as a social system of reproduction (reflection) of structure, and culture operates as the structure of residential spaces. Structures are "validated" affairs that humans create in interaction with phenomena and the environment, which are continuously recreated and reproduced in the context of society and everyday life. In this approach, structuration is the conditions governing the continuity or deformation of structures, and identity is representation of social systems. Thus, the analysis of the structural principles of systems focuses on methods of identification and distinguishing identity. If rules and resources that make up a system are discovered in the structures, all its components could be explained in its reproduction. The case study focuses on residential spaces in a part of 22 Bahman district of Kermanshah and tracks its evolution since 1978. Residential spaces in this research are investigated in four types: primitive villas, recent villas, primitive apartments, and newer apartments. Then, by conceptualizing in three categories -individual attitude, social attitude and human attitude towards nature and the environment- and by interviewing the inhabitants of residential spaces, the degree and correlation of durability and dynamism between the sources and rules of cultural identity and residential spaces are analyzed and evaluated. The relation between

Received: 25 Mar 2024

Received in revised form: 24 May 2024

Accepted: 21 June 2024

Moein Aghaeimehr¹ 

Assistant Professor, Department of Art and Architecture, National University of Skills (NUS), Tehran, Iran.

E-mail: Disa.ag@gmail.com

Minou Gharehbaglou²  (Corresponding Author)

Professor, Department of Architecture and Islamic Architecture, Faculty of Architectural and Urban Planning Engineering, Tabriz Islamic Art University, Tabriz, Iran.

E-mail: m.gharehbaglou@tabriziau.ac.ir

Mohammad Taghi Pirbabaei³ 

Professor, Department of Urban Planning, Faculty of Architectural and Urban Planning Engineering, Tabriz Islamic Art University, Tabriz, Iran.

E-mail: pirbabaei@tabriziau.ac.ir

DOI: <https://doi.org/10.22059/jfaup.2025.378222.672987>

components of durability and dynamism of cultural identity and architecture of residential spaces is then illustrated by charts and tables. Based on the research findings, regarding the durability and dynamism of cultural identity in relation to the architecture of residential spaces in Kermanshah in recent decades, it can be said that from the 1980 AD until now, the durability of the cultural identity of the family and the architecture of residential spaces has gradually decreased and their dynamism has increased exponentially. As for the relationship between the cultural identity and architecture of residential spaces, we argue that although this dynamism is stronger and weaker in some components, it is often analogous in the family culture and the structure of the residential space. In this regard, the contradictory components between the durability and dynamism of cultural identity and the architecture have been revealed in the form of residents' dissatisfaction.

Keywords

Cultural Identity, Durability and Dynamism, Kermanshah City, Residential Complexes

Citation: Aghaeimehr, Moein; Gharehbaglou, Minou, & Pirbabaei, Mohammad Taghi (2024). Durability and dynamism of cultural identity in recent residential complexes; case study: Kermanshah residential complexes from 1980, *Journal of Fine Arts: Architecture and Urban Planning*, 29(2), 7-21. (In Persian)



© The Author(s).

Publisher: University of Tehran Press.

* This article is extracted from the first author's doctoral dissertation, entitled "Explanation of the stability and dynamism of cultural identity in residential spaces; Case study: selected residential complexes in Kermanshah city", under the supervision of the second and the third authors at the Tabriz Islamic Art University.

پایایی و پویایی هویت فرهنگی در فضاهای سکونتی معاصر موردپژوهی: فضاهای سکونتی کرمانشاه از سال ۱۳۶۰ تا کنون*

چکیده

هویت فرهنگی و تحلیل ابعاد و مؤلفه‌های آن، از مهم‌ترین مسائل پیش روی جوامع در حال توسعه است که به مفهومی پر تناقض و پیچیده تبدیل شده است. یکی از کلان‌شهرهای در حال توسعه، شهر کرمانشاه است که به‌ویژه با بلندمرتبه‌سازی‌های دهه‌های اخیر، فرهنگ سکونت و معماری سکونتگاه‌های آن دگرگون شده است. سؤال پژوهش این است که هویت فرهنگی با معماری فضاهای مسکونی چه نسبتی دارد؟ و نسبت پایایی و پویایی هویت فرهنگی با معماری فضاهای مسکونی کرمانشاه در دهه‌های

اخیر چگونه است؟ هدف از این پژوهش مطالعه تطبیقی پایایی و پویایی هویت فرهنگی و معماری فضاهای مسکونی شهر کرمانشاه از دهه ۶۰ تا حال حاضر است. در این پژوهش، فضاهای سکونتی ساخته شده در بخشی از محله ۲۲ بهمن کرمانشاه، از دهه ۶۰ تا کنون، در چهار گونه ویلایی اولیه و متأخر و آپارتمانی اولیه و متأخر بررسی شده است. در ادامه با کمک راهبرد پس‌کاوی و روش تحلیل محتوای کیفی مشاهدات گونه‌های سکونتی و مصاحبه‌های ساکنین آن‌ها بررسی و با استفاده از استقرا و قیاس کدگذاری و طبقه‌بندی داده‌ها صورت گرفته است. کدگذاری در سه حوزه گرایش‌های فردی، اجتماعی و محیط‌زیست در ارکان ساخت فضاهای سکونتی انجام شده و میزان و نسبت پایایی و پویایی در منابع و قواعد هویت فرهنگی در گرایش‌های سه‌گانه، تحلیل و ارزیابی شده است. در نهایت شدت و ضعف پایایی و پویایی در هریک از مؤلفه‌ها در فرهنگ سکونت و معماری فضاهای سکونتی مورد مطالعه تطبیقی قرار گرفته است.

واژه‌های کلیدی

پایایی و پویایی، کرمانشاه، فضاهای سکونتی، هویت فرهنگی

استناد: آقای مهر، معین؛ قره‌بگلو، مینو و پیربابایی، محمدتقی (۱۴۰۳)، پایایی و پویایی هویت فرهنگی در فضاهای سکونتی معاصر؛ موردپژوهی: فضاهای سکونتی کرمانشاه از سال ۱۳۶۰ تا کنون، نشریه هنرهای زیبا: معماری و شهرسازی، ۲۹ (۲)، ۷-۲۱.

ناشر: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران..

© نگارنده(گان).



* مقاله حاضر برگرفته از رساله دکتری معماری اسلامی نگارنده اول با عنوان «تبیین پایایی و پویایی هویت فرهنگی در فضاهای سکونتی (موردپژوهی: مجموعه‌های مسکونی منتخب شهر کرمانشاه)» می‌باشد که با راهنمایی نگارندگان دوم و سوم در دانشگاه هنر اسلامی تبریز ارائه شده است.

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۳/۰۱/۰۶

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۰۳/۰۴

تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۳/۰۴/۰۱

معین آقای مهر^۱: استادیار گروه هنر و معمار، دانشگاه ملی مهارت، تهران، ایران.

E-mail: disa.ag@gmail.com

مینو قره‌بگلو^۲: (نویسنده مسئول): استاد گروه معماری و معماری اسلامی، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر اسلامی تبریز، تبریز، ایران.

E-mail: m.gharehbaglou@tabriziau.ac.ir

محمدتقی پیربابایی^۳: استاد گروه شهرسازی، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر اسلامی تبریز، تبریز، ایران.

E-mail: pirbabaei@tabriziau.ac.ir

DOI: <https://doi.org/10.22059/jfaup.2025.378222.672987>

مقدمه

امروزه کشور ایران و اغلب کشورهای اسلامی، بیش از هر زمان بر روی مسئله فرهنگ و هویت فرهنگی تمرکز کرده‌اند و در نقشه جامع علمی ایران، به توجه بر مسئله هویت اسلامی- ایرانی به شکل‌های گوناگون تأکید شده است. فقدان منابع و پژوهش‌های مدون در این حوزه، بر پیچیدگی‌ها و ابهام‌های موجود می‌افزاید و به ناکارآمدی آن‌ها در تحقق هویت‌مندی معماری و تحولات معاصر شهری می‌انجامد (آقایی‌مهر و قره‌بگلو، ۱۳۹۹). آنچه اهمیت پرداختن به مسئله هویت فرهنگی در فضاهای سکونت را دو چندان می‌کند، تحولات بسیاری از عرصه‌های فرهنگی و اجتماعی از جمله شیوه زندگی، الگوهای رفتاری خانواده است که هم‌زمان با دگرگونی‌های فضاهای سکونت و معماری و شهرسازی سکونتگاه‌ها رخ داده است. از این منظر محور هویت‌یابی (خودیابی)، مناسبات و کنش‌های انسانی است و محیط فرهنگی در تکوین، استمرار و تحول هویت نقش مؤثری دارد و کالبد معماری در فضاهای سکونت به‌عنوان پدیده (محصول) فرهنگی، هم‌مظهر تجلی ارزش‌های فرهنگی است و هم بستر شکل‌گیری رفتارها و کنش‌های اجتماعی است (آقایی‌مهر، قره‌بگلو و پیربابایی، ۱۴۰۲) و بررسی رابطه متقابل این دو، در برنامه‌ریزی سکونتگاه‌ها می‌تواند راه‌گشای معماران و برنامه‌ریزان شهری باشد.

مکانیسم کنش انسان در جهان بر اساس اعتبار است (طباطبایی، ۱۳۸۷). اعتبارات اجتماعی به معانی و هویت‌های اجتماعی می‌پردازند که حالتی سراب گونه میان حقایق و اعیان دارند و بر مبنای عقل عملی، برای نیازمندی انسان در معیشت اجتماعی کاربرد دارند. انسان، هم‌این اعتبارات ساختاری را می‌سازد و هم مجدداً از آن‌ها برای اعمال عاملیت فردی خود استفاده می‌کند. در نظریه ساخت‌یابی^۱ آنتونی گیدنز^۲، ساختار از طریق عمل فرد ساخته می‌شود و عمل فرد در درون ساختار محقق می‌شود. استفاده انسان در عمل اجتماعی از ساختارها، نوعی بازتولید

آن‌ها در قالب عمل جدید است (صدیقی، ۱۳۸۹). از کلان‌شهرهای در حال توسعه که از شروع تحولات نوگرایی دوره پهلوی اول تاکنون تحولات بسیاری را به خود دیده است، شهر کرمانشاه است که در دهه‌های پس از جنگ تحمیلی نیز به‌ویژه با افزایش تراکم‌های ساختمانی، آداب سکونت و چهره سکونتگاه‌های آن دگرگون شده است. پژوهش حاضر سعی بر این دارد که با اتکا به نظریه‌های نوین فلسفی و جامعه‌شناسی، به تحلیل هویت فرهنگی در فضاهای سکونت دهه‌های اخیر شهر کرمانشاه بپردازد. بر این اساس سؤال پژوهش این است که هویت فرهنگی با معماری فضاهای مسکونی چه نسبتی دارد؟ و نسبت پایایی و پویایی هویت فرهنگی با معماری فضاهای مسکونی کرمانشاه در دهه‌های اخیر چگونه است؟ هدف کلی از این پژوهش مطالعه تطبیقی پایایی و پویایی هویت فرهنگی و معماری فضاهای مسکونی شهر کرمانشاه از دهه ۶۰ تا حال حاضر است.

روش پژوهش

در این پژوهش از راهبرد پس‌کاوی و روش تحلیل محتوای کیفی بهره‌گیری شده است. پژوهش حاضر بر اساس هدف و ماهیت و با توجه به اهداف و پیش‌فرض مطرح‌شده تحقیق، به‌صورت توصیفی- تحلیلی و اکتشافی است، چراکه در پژوهش حاضر جهت تحقق و دستیابی به اهداف طرح‌شده تحقیق، ابتدا به بررسی ادبیات و مبانی نظری پرداخته می‌شود، درواقع نوع روش تحقیق توصیفی است. پژوهش شامل روش‌های تطبیقی، مطالعه موردی و تحلیل محتوا به‌صورت نظام‌دار مبتنی بوده است و محقق برای اینکه بتواند مؤلفه‌های هویت فرهنگی مؤثر بر طراحی و ساخت فضاهای مسکونی را مورد تفحص موشکافانه خود قرار دهد، از روش اکتشافی در این مورد بهره گرفته شده است. در این رهگذر از آن جهت که گردآوری داده‌ها تحقیق نیز در یک مقطع زمانی انجام شده است، تحقیق از نظر زمانی، مقطعی است. تحقیق حاضر بنیادی راهبردی محسوب می‌گردد، زیرا به‌منظور فراهم ساختن زمینه‌های علمی لازم برای حل مسائل جاری و آتی معماری کشور انجام می‌شود (جدول ۱).

جدول ۱. روش‌شناسی پژوهش.

راهبرد	پس‌کاوی	استخراج تحولات هویت فرهنگی در جامعه معاصر کرمانشاه و ارتباط آن با تحولات معماری فضاهای مسکونی
روش تحقیق	کیفی	فرایند اجرا، بیان مبانی و مفاهیم، قواعد و رفتارهای فرهنگی در فضاهای مسکونی و تشریح آن‌ها
	بنیادی	استفاده از نظریه ساخت‌یابی در معماری برای حل مسائل جاری و آتی معماری کشور، از نوع تحقیق بنیادی
	کاربردی	تحلیل فرهنگ سکونت در خانواده و فضاهای مسکونی و ارائه مدل عملیاتی برای تحلیل فضاهای مسکونی شهر کرمانشاه و پاسخ به نیازمندی‌ها و حل معضلات موجود
نمونه‌های آزمون		
جامعه آماری		
روش‌های گردآوری داده‌ها	گام نظری	مطالعه کتابخانه‌ای
	گام میدانی	مشاهده
		مصاحبه
روش تجزیه و تحلیل داده‌ها	استدلال منطقی	استدلال منطقی در مطالعات کتابخانه‌ای و مبانی نظری و مفهوم‌سازی
	تحلیل محتوا	تحلیل محتوا در تحلیل مشاهدات و مصاحبه و تحلیل یافته‌های مصاحبه‌ها در چارچوب نظری پژوهش
	استقرایی و قیاسی	استقرار و قیاس در کدگذاری و طبقه‌بندی داده‌های مشاهدات و مصاحبه‌ها



تصویر ۱. تصویر ماهواره‌ای محدوده مورد مطالعه پژوهش. مأخذ: (گوگل ارث، ۲۰۲۱).

در یکی از گونه‌های سکونت مشاهده شده را داشته باشند، به عنوان جامعه آماری در مصاحبه‌ها، مورد پرسش قرار می‌گیرند. در نمونه‌گیری و انتخاب جامعه آماری از نمونه‌گیری طبقه‌ای (بلیکی، ۱۳۹۵/۲۰۰۰) استفاده می‌گردد، تا از طبقات مختلف اجتماعی و سنی و جنسیتی با سطوح مختلف تحصیلات و تخصص استفاده گردد. این روش نمونه‌گیری به دو منظور اصلی به کار می‌رود: اولاً اینکه مقوله‌های خاصی از جمعیت در نمونه حضور دارند و نیز دومین کاربرد اصلی آن حصول اطمینان از این است که از همه مقوله‌های تحت مطالعه در نمونه‌ها حضور دارند. در هر یک از گونه‌های ویلایی اولیه و ویلایی متأخر ۱۰ مصاحبه و در گونه‌های آپارتمانی اولیه و متأخر ۷ مصاحبه به انجام رسید تا اشباع اطلاعاتی این گام حاصل شد. مصاحبه‌های گونه‌های اولیه ویلایی از «۱۰-۱» تا «۱۹-۱» و مصاحبه‌های گونه‌های متأخر ویلایی از «۲۰-۲» تا «۲۹-۲» و گونه‌های اولیه آپارتمانی از «۱۰-۱» تا «۳۱-۱» و گونه‌های متأخر آپارتمانی از «۴۱-۲» تا «۴۷-۲» شماره‌گذاری شده‌اند.

پیشینه پژوهش

در حوزه فرهنگ و هویت در معماری پژوهش‌های بسیاری صورت گرفته است (Rapoport, 2005 & 1969; Lang, 1987; Frampton, 2007; Abel, 1997; Broadbent, 1980; Correa, 1983; Schultz, 1988 & 2000; Giddens, 1991; Marcus, 2006; Jung, 1969; Strauss, 1972; Jenkins, 2014) که شرح و دسته‌بندی آنها در این مقال نمی‌گنجد و در پژوهش‌های پیشین ارائه شده است (آقایی مهر، قره‌بگلو و پیربایی، ۱۴۰۲). در جمع‌بندی دیدگاه‌های نظریه‌پردازان در ارتباط با فرهنگ و معماری، می‌توان دو جریان کلی را مشاهده کرد: شکل اول جریانی است که مانند پژوهش حاضر، معماری به عنوان نمادی از فرهنگ فرد و جامعه در نظر گرفته می‌شود و در مقابل، در شکل دوم هویت در خود

در گام میدانی، جهت شناسایی هویت کالبدی فضاها و تحولات آن، از مشاهده به عنوان ابزار اصلی شناسایی هویت کالبدی فضاها سکونت و از مصاحبه برای تحلیل هویت فرهنگی ساکنین استفاده شده است. در تحلیل محتوای کیفی، محتوای پنهان پیام مورد توجه است و به این دلیل نگاه عمیق‌تری به کلمات و عبارات داده‌های کیفی وجود دارد، زیرا ادراکات و تفاسیر پژوهشگر از یک معنای ارتباطی کدگذاری می‌شود (Berelson, 2000). در تحلیل محتوای گونه‌ها و مصاحبه‌های ساکنین فضاها سکونت، با استفاده از روش‌های استقرایی و قیاسی به توسعه نظام طبقه‌بندی داده‌های پژوهش پرداخته شد؛ چرا که هسته اصلی در تحلیل محتوای کیفی، ایجاد مقولات و طبقات است (Krippendorff, 2012). بدین ترتیب، در این پژوهش کدهای اولیه مصاحبه‌ها از داده‌های نظری استخراج و دسته‌بندی می‌گردد، تا در گام میدانی مورد بررسی و راستی آزمایی قرار گیرد. در راستای تحقق پایایی پژوهش، در متغیرهای مصاحبه‌ها، از نشانگرهای مختلف برای هر مفهوم چارچوب نظری پژوهش استفاده شده و ۸ مصاحبه پایلوت (پیش‌آزمون) و ۴ مصاحبه برای تایید اشباع داده‌ها برگزار شده است. پس از مصاحبه‌های پیش‌آزمون، کدهای اولیه مستخرج از چارچوب نظری مورد بازنگری قرار گرفته و نسخه نهایی سؤالات مصاحبه و چارچوب نظری طراحی گردیده است. برای روایی بیشتر پژوهش، از صاحب‌نظران حوزه معماری و شهرسازی و پژوهشگر پژوهشگر با تجربه زیستن در اغلب گونه‌های آزمون و روش روایی محتوایی در تحلیل متغیرهای مصاحبه‌ها استفاده شده است (جدول ۱).

نمونه‌های مورد مطالعه

در این پژوهش فضاها سکونت شهر کرمانشاه و محدوده‌ای از قطعات حدود ۱۵۰ تا ۲۴۰ متری محله ۲۲ بهمن به عنوان نمونه مورد مطالعه انتخاب شده است (تصویر ۱). شروع واگذاری زمین‌ها و ساخت خانه‌های مسکونی در این محله با ساخت خانه‌های یک و دو طبقه از اواخر دوره پهلوی بوده و مواجه با پیچیدگی انواع گونه‌های سکونت موجود در بافت‌های قدیم و طرح‌های نوسازی، بهسازی و احیا و غیره نبوده و بافت نسبتاً یکنواختی از نظر کالبدی (قطعات تفکیکی شمالی- جنوبی با بر ۱۰ تا ۱۲ متر و طول ۱۵ تا ۲۱ متر و هم گونه‌های ساختمانی) و فرهنگی (در منطقه نسبتاً مرفه‌نشین شهر) دارد و متغیرهای مداخله‌گر در آن دخالت چندانی ندارند. در عین حال، تحولات گوناگون، سیر از خانه‌های ویلایی به نسل اولیه آپارتمان‌های مسکونی و با تداوم ساخت و سازها در سال‌های اخیر نمونه‌های متأخر آپارتمان‌سازی را به خود دیده است. این ویژگی‌ها امکان بررسی تحولات گونه‌های سکونت را از دهه ۶۰ تا کنون را میسر می‌دارد.

با توجه به تغییرات ساختار فضایی در نمونه‌های اولیه ویلایی (دهه ۶۰ و ۷۰) نسبت به نمونه‌های متأخر ویلایی (از اواسط دهه ۷۰ تا دهه ۸۰) و بلندمرتبه‌سازی‌های اولیه که از دهه ۷۰ تا اواسط دهه ۸۰ آغاز می‌گردد و تغییراتی که در بلندمرتبه‌سازی‌ها از اواسط دهه ۸۰ آغاز می‌گردد، نمونه‌های مورد مطالعه در چهار گونه «ویلایی اولیه»، «ویلایی متأخر»، «آپارتمانی اولیه» و «آپارتمانی متأخر» دسته‌بندی شده است. (جدول ۲)

جامعه آماری

ساکنین منطقه مورد مطالعه و اطراف آن که حداقل تجربه زندگی

پایایی و پویایی هویت فرهنگی در فضاهای سکونت معاصر: موردپژوهی: فضاهای سکونت کرمانشاه از سال ۱۳۶۰ تا کنون

جدول ۲. الگوهای کلی ساختار فضایی گونه‌های مسکونی در محدوده مورد مطالعه.

الگوهای شمالی		الگوهای جنوبی	
الگوی فضایی غالب گونه‌های ویلایی			
	ویلایی اولیه شمالی	ویلایی اولیه جنوبی	ویلایی متأخر جنوبی
	آپارتمانی اولیه شمالی	آپارتمانی اولیه جنوبی	آپارتمانی متأخر جنوبی
الگوی فضایی غالب گونه‌های آپارتمانی			
	آپارتمانی اولیه شمالی	آپارتمانی اولیه جنوبی	آپارتمانی متأخر جنوبی
	آپارتمانی اولیه شمالی	آپارتمانی اولیه جنوبی	آپارتمانی متأخر جنوبی
الگوی فضایی غالب گونه‌های متناظر			
	آپارتمانی اولیه شمالی	آپارتمانی اولیه جنوبی	آپارتمانی متأخر جنوبی
	آپارتمانی اولیه شمالی	آپارتمانی اولیه جنوبی	آپارتمانی متأخر جنوبی

محیط و بستر فرض می‌کند که تمامی شیوه‌های زندگی اعم از رفتار، تفکر، و احساس و همه مصنوعات، ارزش‌ها و هنجارها در آن جای می‌گیرد و گاه مناسبات و رفتارها و کنش‌ها و واکنش‌های اجتماعی افراد را در عرصه فرهنگ به بحث می‌گذارد. گیدنز در عمده مباحث خود به خواننده القاء می‌کند که تنها راه «خود»یابی (هویت‌یابی) در دنیای متجدد و فرهنگ جامعه جدید است (بهشتی‌نژاد، ۱۴۰۱). در مورد شکاف‌های مشاهده شده در پژوهش‌های پیشین در ایران می‌توان گفت که بسیاری از این

اثر و به‌عنوان معنا، مفهوم و ویژگی‌های اثر موردبررسی قرار می‌گیرد. در این دیدگاه، معماری به‌عنوان نمادی از فرهنگ فرد و جامعه در نظر گرفته می‌شود و نقشی اساسی در برقراری روابط اجتماعی و آرامش روانی فرد بر عهده خواهد داشت. بنابراین معماری نقشی مشابه نوع خودرو، ظاهر افراد، شیوه لباس پوشیدن و نحوه رفتار آن‌ها در موقعیت‌های مختلف بر عهده داشته و مانند عنصری نمادین یا نقابی بر روی چهره فرد عمل می‌کند (سلیمانی، اعتصام و حبیب، ۱۳۹۵). گیدنز فرهنگ را گاه به‌مثابه

انسان به عنوان عامل)، فرهنگ به مثابه ساخت (در نظریه ساخت یابی) عمل می کند (Lechet, 1994). در این نگاه، عناصر و اجزای فرهنگ، به مثابه ساخت، هویتی مستقل از خود ندارند و گریه بردار و پذیرای هویت ساخت حاکم بر فرهنگ هستند (پیربابایی و ایرانشاهی، ۱۳۹۹). بنابراین می توان عناصری را در پس هر فرآورده فرهنگی یافت که رابطه ای شبکه وار با یکدیگر دارند و این روابط، ساختار کلی را شکل می دهد که در نهایت در کانون و هسته اصلی آن پدیده فرهنگی مورد نظر نهفته است.

ساخت ها رویکردی دوجبهی دارند و به واسطه کارکرد دوگانه قواعد^۲ (محدودکننده) و منابع^۴ (تواناکننده) عمل می کنند (Sewell, 1992). بر این اساس، «ظهور» هنجارهای فرهنگی را نیز می بایست در قالب نتایجی مشابه و تکرارشونده جستجو کرد و برای شناخت اولیه آن ها، به دنبال مشابهت ها در محیط ساخته شده بود؛ که البته گیدنز در تعاریف فرهنگ خود، از آن به عنوان هنجار فرهنگی و در نظریه ساخت یابی به عنوان الزامات و قواعد محدودکننده نام می برد. منابع نیز در تئوری گیدنز به دو دسته تقسیم می شوند، منابع معتبر^۵ (مقتدرانه) که تدابیر و فرمان هایی را بر افراد و عاملان روا می دارد و منابع تخصیص^۶ که شامل ویژگی های محیط فیزیکی در استفاده از تولید و بازتولید (تکثیر) کالا است. (Giddens, 1997) قواعد نیز هم شامل قوانین و الزامات قانونی^۷ و هم جنبه اخلاقی^۸ شامل تعهد به پیروی از آن قوانین می باشند (Scapens & Macintosh, 1996).

در رویکرد فرهنگی، محیط فرهنگی جایگاه ویژه ای در تکوین، استمرار و تحولات هویت دارد. در سطح مفاهیم و ارزش های فرهنگی حاکم بر فضاهای سکونت، با ارزش های موجود در علم اخلاق مواجهیم که قواعد و ساختارهایی در رابطه با هنجارها (بایدوبناید های فرهنگی) تولید می کنند، یا در آن ها محقق می شوند. این مفاهیم بر الزامات، سنت ها و باید ها و نباید های فضاهای سکونت تأثیرگذارند. در سطح بعدی که الگوهای عینی فضاها شکل می گیرد، فعالیت های فرهنگی یا همان افعال، رفتارها و کنش های انسانی رخ می دهد که به صورت دوسویه بر هم تأثیرگذارند، یعنی هم کنش ها را شکل می دهند و هم در کنش ها محقق می گردند. این الگوها در کالبد مکان و فضاهای سکونت به عنوان پدیده (نظام) فرهنگی که بستر کنش های افراد و اعضای خانواده (به عنوان یک ساخت اجتماعی) است، متجلی می گردد (آقایی مهر، ۱۴۰۰). یعنی سنت ها و مناسبات بین اعضای خانواده، آداب و سنت های معماری فضاهای سکونت را شکل می دهد و آداب و سنت های معماری، بستر شکل گیری سنت ها و مناسبات بین اعضای خانواده می شود.

در تحلیل محتوای گونه ها و مصاحبه های ساکنین فضاهای سکونت، با استفاده از روش های استقرایی و قیاسی به توسعه نظام طبقه بندی داده های پژوهش پرداخته شد؛ چرا که هسته اصلی در تحلیل محتوای کیفی، ایجاد مقولات و طبقات است. بدین ترتیب، در تهیه و تدوین چارچوب نظری پژوهش ابتدا گونه های فضاهای سکونت مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت و گونه غالب ساختار فضاهای محدوده آزمون استخراج شد. سپس مفاهیم و کدهای مستتر در کنش های انسان در خانواده به صورت اولیه در چهار حوزه و پس از برگزاری مصاحبه و تحلیل محتوای گونه های فضاهای سکونت و مصاحبه های ساکنین آنها، در سه حوزه گرایش های فردی، اجتماعی و در ارتباط با طبیعت طبقه بندی گردید. از

پژوهش ها، به هویت کالبدی پرداخته و امکان تحقق هویت مندی را در تغییرات کالبدی (به کارگیری تکنولوژی یا مدل های معاصر) مورد نقد و بررسی قرار داده اند و یاد هویت مندی را در معماری سنتی و خانه های دوره پهلوی و قاجار و پیش از آن جستجو کرده اند؛ در حالی که به نظر می رسد با توجه به تحولات وسیع فرهنگی، اجتماعی و غیره در شهرهای معاصر، این بازگشت به گذشته به ارائه راه کارهای عملی معماری معاصر، کمک چندانی نداشته باشد. در این پژوهش فضاهای سکونت دهه های معاصر و تحولات آن مورد بررسی قرار گرفته است.

مبانی نظری پژوهش

واژه «هویت» معمولاً با پسوند خود شناخته می شود. در واقع هویت آنچه کسی یا چیزی هست (قاسمی اصفهانی، ۱۳۹۴)، همان بودن یا چیستی و چگونگی او (مهدوی نژاد و آقایی مهر، ۱۳۹۹) و «هویت فرهنگی» چیستی و چگونگی فرهنگ او و هویت فرهنگی در فضاهای سکونت چیستی و چگونگی فرهنگ او در سکونت گزیدن است. واژه «پایایی» به معنای پایداری، ثبات، استحکام در شرایط مختلف و در طی زمان است که در مورد هویت فرهنگی به انسجام و تداوم مؤلفه های فرهنگ و حفظ سنت ها و آداب و رسوم فرهنگی می انجامد. «پویایی» هویت فرهنگی مفهومی است که به چگونگی تغییرات، تحول و تکامل فرهنگ ها در شرایط و زمان های مختلف اشاره دارد و به بررسی فرایندهای در حال تغییر باورها، ارزش ها، هنجارها، رفتارهای اجتماعی و محصولات افراد جامعه در سطوح مختلف فردی و اجتماعی می پردازد (Giddens, 1990).

هنگامی که یک فرد با اراده و آگاهی خود به یک معنا پیوند می خورد، ارتباط وجودی خود را با آن معنا و معانی زمینه ساز آن برقرار می سازد و از معانی در تعارض و تضاد با آن معنا، روی گردان می شود. این رفتار هماهنگ و تا حدودی همسان در بستر زمان که در میان آحاد جامعه اعتبار می شود و به اشتراک گذارده می شود، موجب کسب هویتی جمعی در میان آن افراد می شود؛ به گونه ای که رفتار مغایر با آن در میان اجتماع ایشان غیرمنتظره و ناهنجار تلقی می شود (پارسانیا، ۱۴۰۰). هویت های اعتباری توسط انسان اعتبار ساز معتبر شده اند (پارسانیا، دانایی فرد و حسینی، ۱۳۹۳) و ساختار کنش انسان در جهان خودند (طباطبایی، ۱۳۹۸). از این منظر اعتبار کردن، ابزاری برای اعمال عاملیت انسان (طباطبایی، ۱۳۸۷) و اعتبارات، ساختار مفهوم سازی عقل عملی در تعریف بایدوبناید های حاکم بر کنش های فردی و اجتماعی (حسینی و موسوی، ۱۳۹۱) محسوب می گردند.

ساختارها عنصری عینی و فیزیکی نیستند، بلکه انگاره ای ذهنی اند که به عنوان ساختار کنش و اعمال انسانی و قواعد شکل گیری آن کاربرد دارند (Bryant & Jary, 1991). ساختار از طریق عمل فرد ساخته می شود و عمل فرد در درون ساختار محقق می شود. استفاده انسان از ساختارها در عمل اجتماعی، نوعی بازتولید آن ها در قالب عمل جدید است. بدین ترتیب فرهنگ، هم هویتی متجلی در افعال و کنش های اجتماعی می یابد و هم افعال و کنش های اجتماعی، فرهنگ و هویت جمعی را شکل می دهند، و مصنوعات و پدیده های فرهنگی (از جمله آثار معماری)، پس از تحقق افعال فرهنگی ظهور می یابند. از این جهت (دادن ساختار به کنش های انسان و به دنبال آن، ساختار یافتن از کنش های

با توجه به مبانی نظری پژوهش از مؤلفه‌های ساخت (فرهنگ) به عنوان بستری برای فهم مسئله و تحلیل مصاحبه‌ها بهره‌گیری شده است. معماری فضاهای مسکونی قوانینی دارد که ساختار فضاهای مسکونی و روابط سیستمی اجزای آن را تعریف می‌کند. این قواعد هم بر مناسبات اعضای خانواده تأثیر می‌گذارد و هم از آن‌ها تأثیر می‌پذیرد. این قواعد هم شامل توصیه‌های اخلاقی و هنجارگونه می‌گردد و هم قوانین و احکام فقهی که بر اعضای خانواده و فضاهای مسکونی حاکم‌اند. منابع هم شامل منابع تولیدکننده فرمان، مانند احکام فقهی و سنت‌ها و منابع فیزیکی و کالبدی مانند مصالح و فناوری‌های طراحی و ساخت فضاهای سکونت می‌شود که امکان مناسبات و کنش‌ها را در فضاهای سکونت محقق می‌کند. (آقایی مهر، ۱۴۰۰) با مقایسه و انطباق کنش‌های جاری در هریک از محورهای گرایش‌های فردی، اجتماعی و گرایش به طبیعت در فضاهای مسکونی در بستر ساخت خانواده، می‌توان به طیف جامعی از مؤلفه‌ها برای مهندسی فرهنگی فضاهای مسکونی دست یافت، که در جدول (۳) این پژوهش نمایش داده شده است.

یافته‌های پژوهش

گزارش یافته‌ها در حوزه گرایش‌های فردی

سلامت و بهداشت: در خصوص فضاهای بهداشتی بیشترین فراوانی در ابراز تمایل به پنهان بودن فضاهای بهداشتی یا نارضایتی از پنهان نبودن آن است. «۱۰، ۲ و ۱۱، ۲» به ترتیب ۵، ۸، ۵ و ۷ مورد و ابراز تمایل به سرویس داخل حیاط در گونه‌های «۱۰ و ۲» به ترتیب ۳ و ۶ مورد بوده است (جدول ۴).

هنر و زیبایی: در حوزه هنر و زیبایی ۱۷/۶٪ از مصاحبه‌شوندگان به نمای رومی و کلاسیک علاقه‌مند و ۱۷/۶٪ بی‌علاقه و گله‌مند و بقیه ۶۴/۷٪ بی‌تفاوت بودند یا نظری در این باره نداشتند و یا توجه به زیبایی طرح نما را بر نوع سبک آن ترجیح می‌دادند. تمایل به سبک‌های جدید دکوراسیون نیز به اشکال مختلف در اظهارات غالب ساکنین مشهود بود (جدول ۴).

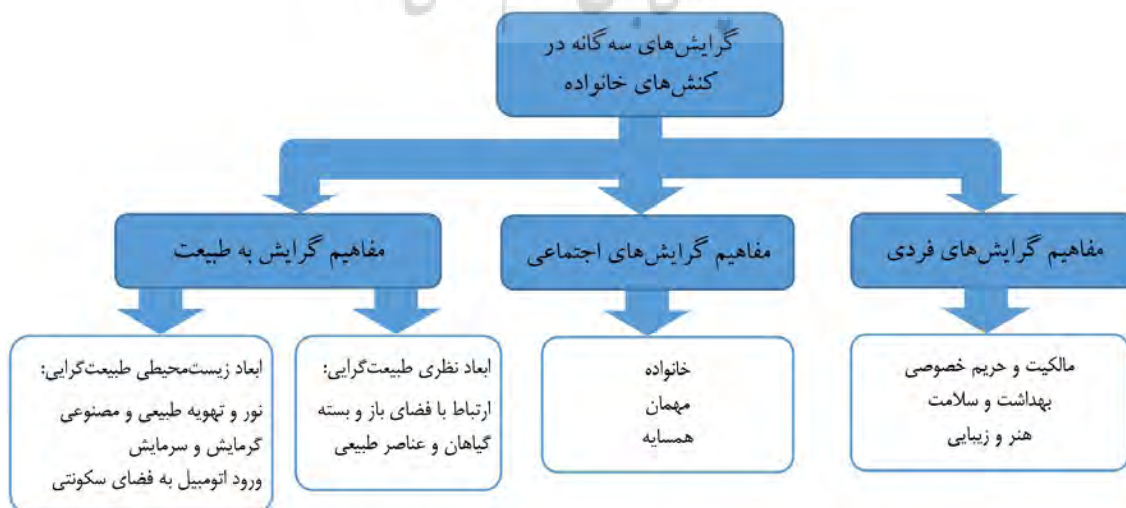
مالکیت و حریم خصوصی: ۱۱ نفر از مصاحبه‌شوندگان خانه‌های «۱۰ و

نظر ساختاری نیز داده‌ها در چهار محور مورد بررسی قرار می‌گیرد. چرا که قواعد و الزامات فقهی هم در قالب محتویات اخلاقی و هنجارهای ساکنین در کنش‌ها محقق می‌شود و هم به کمک منابع تخصیص ساخت مسکن، در کالبد فضاهای سکونت جلوه می‌یابد.



تصویر ۲. چارچوب نظری در کدگذاری کنش‌های خانواده.

از نظر محتوایی، در طبقه گرایش‌های فردی، مفاهیمی مانند امنیت و حریم خصوصی در درونگرایی فضاهای معماری مصداق می‌یابد؛ یا هنر و زیبایی در قالب سبک‌های طراحی نمای خارجی و داخلی؛ و سلامت در ارتباط با بهداشت فردی در فضاهای سکونت محقق می‌شود. مفاهیمی چون خانواده، مهمان و همسایگی نیز در طبقه کنش‌های اجتماعی انسان و نحوه تحقق آن‌ها در فضاهای سکونت قابل ارزیابی است. در طبقه کنش‌های انسان در ارتباط با طبیعت، اهمیت و ارزش نظری طبیعت‌گرایی مانند اهمیت ارتباط با فضای باز و بسته و گیاهان و دیگر عناصر طبیعت و از نظر ابعاد زیست‌محیطی، نور و تهویه طبیعی و مکانیکی و سیستم‌های گرمایش و سرمایش مورد توجه است که در تصویر ۲ نمایش داده شده است.



تصویر ۳. مفهوم‌سازی در گرایش‌های سه‌گانه در کنش‌های خانواده.

جدول ۳. مؤلفه‌های هویت فرهنگی در چارچوب نظری پژوهش.

گرایش‌های سه‌گانه در کنش‌های خانواده	مفاهیم رایج در گرایش‌های سه‌گانه	ساخت (فرهنگ) در فضاهای مسکونی		
		منابع (تواناکننده)	قواعد (محدودکننده)	
گرایش‌های فردی	بهداشت و سلامت	منابع تولید فرمان (فقه و سنت)	منابع تخصیص (اقتصاد، فناوری و محیط زیست)	هنجارها و ارزش‌های اخلاقی
	هنر و زیبایی	هنر و زیباشناسی در فقه و سنت	اقتصاد، اقلیم و فناوری‌های طراحی نما و معماری داخلی	الزامات و قوانین نما و معماری داخلی
	مالکیت و حریم خصوصی	مالکیت و حریم خصوصی در فقه و سنت	تأثیر اقتصاد، جمعیت و فناوری‌های ساخت بر مالکیت و حریم خصوصی	قوانین مربوط به مالکیت و حریم خصوصی
گرایش‌های اجتماعی	خانواده	احکام و سنت‌های حوزه خانواده	منابع تخصیص در خانواده و فضاهای خانوادگی	هنجارها و ارزش‌ها در کنش‌های خانوادگی
	مهمان	آداب و احکام مهمان در منابع فقهی و سنت‌ها	منابع تخصیص مؤثر بر فضای مهمان	هنجارها و ارزش‌ها در ارتباط با مهمان
	همسایگی	آداب و احکام همسایه در فقه و سنت	تأثیر اقتصاد، فناوری و جمعیت بر همسایگی	مناسبات خانواده در ارتباط با همسایه
گرایش به طبیعت و مسائل زیست‌محیطی	ابعاد نظری طبیعت‌گرایی	فضای باز و نیمه‌باز	اهمیت طبیعت در فقه و سنت	تأثیر اقتصاد، فناوری و محیط زیست بر ارتباط خانواده با طبیعت
		فضای سبز	تأثیر ورود اتومبیل و منابع نوین	مناسبات خانواده در ارتباط با طبیعت
	محیط زیست	ورود اتومبیل	احکام و سنت‌های متفرقه سکونت و خانواده	هنجارهای متفرقه خانواده و نحوه استفاده از اتومبیل
		نور و تهویه	جایگاه نور و تهویه در فقه و سنت	جایگاه نور و تهویه در هنجارهای خانواده
		سیستم‌های گرمایش و سرمایش	احکام فقهی و سنت‌های گرمایش و سرمایش	اقلیم و فناوری‌های گرمایش و سرمایش

جدول ۴. گزارش یافته‌ها در حوزه گرایش‌های فردی در گونه‌های سکونتی دهه‌های مطالعه شده.

گونه	ویلاهای اولیه	ویلاهای متأخر	آپارتمانی اولیه	آپارتمانی متأخر
بهداشت و سلامت	رعایت جهت قبله در توالت، توالت در حیاط و زیر پله یا راه پله یا داخلی و حیاط روشویی و توالت مجزا حمام و رختکن مجزا، ورود از راه پله یا راهرو	رعایت جهت قبله در توالت، ارتقای سطح بهداشت فضاهای بهداشتی، توالت داخل کنار هال گاهی ادغام روشویی و توالت حمام و رختکن گاهی مجزا، ورود از راه پله	رعایت جهت قبله در توالت، سرویس بهداشتی بین خوابها یا راهرو یا کنار نشیمن، روشویی و توالت یکپارچه حمام و رختکن (گاهی با سرویس) یکپارچه، ورود مستقیم از راه پله	رعایت جهت قبله در توالت، سرویس بهداشتی در راهرو و گاهی سرویس مستقل والدین، روشویی و توالت یکپارچه، حمام و رختکن یکپارچه و گاهی با توالت فرنگی، ورود از راه پله معمولاً با پیش‌رویی و استفاده از عایق‌های نوین و شیشه دوجداره
هنر و زیبایی	غالباً نمای سیمانی و آجری یا سنگ سفید ازنا و الیگودرز	غالباً نمای سیمانی و آجر و سنگ سفید ازنا و الیگودرز	رواج شیشه رفلکس و به ترتیب نمای آجر سه سانت، سنگ سفید تیشه‌ای، اواسط دهه ۸۰ گرانیب و تراورتن	به ترتیب، کاربرد نمای تراورتن، آلومینیم کامپوزیت، نمای رومی و آجر نسوز و سنگ مصنوعی و سرامیک و پودر سنگ و... تأکید بر ایمنی نما با اسکوپ سنگ نما
مالکیت و حریم خصوصی	سطح داخلی ساده و گچ‌بری با وینترین گچی و چوبی و شیشه‌رنگی	حذف دیوارهای غیرباربر به مدد سازه فلزی، غالباً سطوح داخلی ساده و گچ‌بری با وینترین چوبی	نیاز به وسعت بیشتر فضاها با ورود مبلمان جدید، افزایش سطوح شفاف و کاهش سطح دیوارهای غیرباربر به مدد سازه فلزی، سقف ساده یا گچ‌بری یا کاذب رابیتس و گچ با هالوزن	افزایش سطوح شفاف و حذف دیوارهای غیرباربر به مدد سازه بتنی، نیاز به وسعت بیشتر فضاها با ورود مبلمان جدید، گچ‌برک کثاف و ال ای دی و ام دی اف با میل و گاهی دیوار تلویزیون، انواع کابینت و کمد ممبران و هایدگلس و صفحه کورین و این طرح جزیره در دهه ۹۰
	واحد سکونتی مستقل، تفکیک فضای مهمان، آشپزخانه بسته، اتاق خصوصی مجاور فضای خانوادگی، سرویس داخل حیاط و زیرپله و گاهی مجاور هال، حیاط مستقل دارای حریم خصوصی	واحد سکونتی مستقل، ادغام فضای مهمان و خانوادگی، باز شدن جداره آشپزخانه به هال-پذیرایی، حیاط مستقل دارای حریم خصوصی	ساختمان اشتراکی واحدهای سکونتی و از بین رفتن حریم صوتی و بصری واحد سکونت، فضای مشترک مهمان و خانواده، آشپزخانه باز (آپن)، فضاهای بهداشتی گاهی مجاور نشیمن، حیاط اشتراکی و بالکن معمولاً بدون حریم خصوصی، دوربین و سیستم‌های امنیتی نوین، استفاده از شیشه رفلکس و وسیع و گاهی شیشه قدی و شیشه دوجداره و مصالح عایق صوتی، گسترش کاربرد فضای مجازی، اتاق شخصی اعضای خانواده و اتاق و سرویس مستقل والدین	ساختمان اشتراکی واحدهای سکونتی و از بین رفتن حریم صوتی و بصری واحد سکونت، فضای مشترک مهمان و خانواده، آشپزخانه باز (آپن)، فضاهای بهداشتی گاهی مجاور نشیمن، حیاط اشتراکی و بالکن معمولاً بدون حریم خصوصی، دوربین و سیستم‌های امنیتی نوین، استفاده از شیشه رفلکس و وسیع و گاهی شیشه قدی و شیشه دوجداره و مصالح عایق صوتی، گسترش کاربرد فضای مجازی، اتاق شخصی اعضای خانواده و اتاق و سرویس مستقل والدین

اشاره داشته‌اند (جدول ۵).

مهمان: ۶۲ درصد از مصاحبه‌شوندگان که ۱۰۰ درصد کسانی را که در گونه‌های اولیه و یلایی تجربه سکونت داشتند را شامل می‌شد، از کوچک شدن تدریجی گستره مهمان‌ها و حذف مهمان غریبه از فضاهای سکونت و ۱۵ درصد کاهش رفت‌وآمد با مهمان یا مهمان غریبه را اظهار کردند. برخی نیز حریم آشپزخانه‌های بسته در مقابل پذیرایی مهمان را تمجید کردند، اما در نهایت با توجه به عدم حضور مهمان غریبه و کاهش بعد خانوار و مترژ فضای سکونت آشپزخانه آپن را ترجیح می‌دادند (جدول ۵).

همسایگی: در ۶۲ درصد از مصاحبه‌شوندگان روابط همسایگی محدود به سلام و احوال‌پرسی بود که ۱۲ درصد از آن همان سلام و احوال‌پرسی هم محدود به چند همسایه بود و ۲۰/۵ درصد ارتباط خاصی با همسایه‌ها نداشتند. از علل این مسئله می‌توان تغییر فرهنگ‌ها و دگرگونی‌های واحد همسایگی و کوتاه شدن مدت حضور ساکنین در خانه‌ها برشمرد. در این خصوص ۶ درصد از ساکنین به کوچک‌تر شدن واحد همسایگی برای شناخت همسایه‌ها برای برقراری ارتباط تمایل داشتند و ۳۰ درصد از گونه‌های ویلایی و ۲۱ درصد از گونه‌های آپارتمانی (مجموعاً ۲۶/۴ درصد از کل ساکنین) فرزندان‌شان با فرزندان همسایه‌ها بازی می‌کردند یا مایل بودند بازی کنند که در ۱۴ درصد از گونه‌های آپارتمانی سروصدای بازی بچه‌ها در مواردی باعث نارضایتی برخی همسایه‌ها و برای بازی کودکان زمان‌بندی تعیین شده بود (جدول ۵).

گزارش یافته‌ها در حوزه گرایش به طبیعت و مسائل زیست‌محیطی
فضای باز و فضای سبز: ۴۵ درصد از ساکنین خانه‌های ویلایی به‌ضرورت خصوصی بودن و عدم تسلط و اشراف برای استفاده از حیاط اشاره کردند. ۴۵ درصد از ساکنین خانه‌های ویلایی از حیاط برای بازی فرزندان و ۷۵ درصد به‌عنوان فضای زندگی و برای فعالیت‌های مختلفی مانند خوردن و خوابیدن، دور هم بودن یا غذا پختن و بازی کردن استفاده می‌کردند و تنها ۱۰ درصد آن‌ها از حیاط استفاده‌ای نداشتند. از گونه‌های

و ۲۰ و از نحوه کنترل اشراف و دید مزاحم رضایت در واحدهای سکونت خود ابراز رضایت داشتند و تنها مصاحبه‌شونده شماره «۱۰-۲۰» از ساکنین طبقه بالای گونه‌های ویلایی دوطبقه از عدم احساس آرامش از سروصدای بازی فرزندان در منزل (و ایجاد سروصدا برای همسایه زیرین) سخن گفته بود، که البته این مسئله مانع از بازی فرزندان نبود. برعکس از ۱۴ نفر مصاحبه‌شونده گونه‌های «آ» و «آ۲»، ۱۰ نفر از نداشتن حریم صوتی و ۶ نفر از وضعیت حریم بصری خود گله‌مند بودند. ۶ نفر از ۸ نفر باقی‌مانده با توجه به سکونت در طبقه آخر، یا کوتاه‌مرتبه بودن ساختمان مقابل از وضعیت حریم بصری خود فعلاً راضی بودند و ۲ نفر نیز از داشتن شیشه رفleks رضایت نسبی داشتند. ۱۰ نفر از مصاحبه‌شوندگان گونه ویلایی صراحتاً داشتن مالکیت و حریم خصوصی را در خانه ویلایی نسبت به آپارتمانی ابراز کردند. در ۹ مورد از گونه‌های ویلایی اتاق والدین از فرزندان تفکیک نشده بود و با توجه به بالا بودن بعد خانوار نسبت به دهه‌های متأخر، به‌صورت موردی و موقت از پذیرایی، نشیمن، یکی از اتاق‌ها یا حیاط و بام در تابستان، به‌عنوان فضای خواب استفاده می‌کردند. البته در اغلب الگوهای ویلایی تفکیک جنسیتی فرزندان در اتاق‌های خصوصی اتفاق افتاده است و معمولاً یکی از اتاق‌ها مورد استفاده از دختر یا دختران خانواده و یکی مورد استفاده پسر یا پسران خانواده بوده است (جدول ۴).

گزارش یافته‌ها در حوزه گرایش‌های اجتماعی

خانواده: ۵ نفر از مصاحبه‌شوندگان که در رده سنی زیر ۴۰ سال نیز بودند، به کمتر شدن حضورشان در خانه اشاره مستقیم داشته‌اند. البته نیمی از مصاحبه‌شوندگان هر دو گونه ویلایی و آپارتمانی بیشتر وقت خود را در فضای نشیمن و در کنار دیگر اعضای خانواده می‌گذرانند. هم‌چنین ۴۵ درصد از ساکنین گونه‌های ویلایی و ۲۱ درصد از ساکنین گونه‌های آپارتمانی، آشپزخانه باز^۱ و ۲۰ درصد از ساکنین گونه‌های ویلایی و ۷ درصد از ساکنین گونه‌های آپارتمانی، آشپزخانه نیمه‌باز و تنها ۱۰ درصد از کل ساکنین، مزایای آشپزخانه بسته را ترجیح می‌دادند که برخی مستقیماً به مزیت امکان ارتباط بیشتر با اعضای خانواده در آشپزخانه باز

جدول ۵. گزارش یافته‌ها در گرایش‌های اجتماعی انسان در گونه‌های سکونت دهه‌های مطالعه‌شده.

گونه	ویلایی اولیه	ویلایی متأخر	آپارتمانی اولیه	آپارتمانی متأخر
تنوع فعالیت‌های خانواده در فضاهای مختلف باز و بسته خانه، فناوری ساخت دیوار باربر آجری حضور خانواده در فضای هال آشپزخانه بسته با یک در به هال و معمولاً دریچه به پذیرایی	تمایل به وسعت و شفافیت بیشتر فضاها، نیاز میلمان جدید به فضای وسیع‌تر و مدد فناوری‌های اسکلت فلزی و بتنی برای ساخت آن، حضور خانواده در هال-پذیرایی، حذف دیوار (در) بین هال و پذیرایی، باز شدن آشپزخانه برای ارتباط بیشتر با نشیمن	کاهش بعد خانوار و فعالیت‌های جمعی در خانه، فناوری اسکلت فلزی و افزایش بلندمرتبه‌سازی و حضور خانواده در نشیمن آشپزخانه باز، کاهش عرصه فضاهای سکونت و نشیمن و پذیرایی یکپارچه سطوح شفاف	کاهش حضور مهمان، فناوری ساخت اسکلت بتنی و افزایش تراکم ساختمانی، اشتغال زنان و کاهش حضور اعضای خانواده (زن) در خانه، گسترش شبکه‌های مجازی ارتباط جمعی و استقلال بیشتر فعالیت اعضای خانواده، حضور خانواده در نشیمن، آشپزخانه باز (آپن)، نشیمن و پذیرایی یکپارچه و افزایش سطوح شفاف	کاهش حضور مهمان، فناوری ساخت اسکلت بتنی و افزایش تراکم ساختمانی، اشتغال زنان و کاهش حضور اعضای خانواده (زن) در خانه، گسترش شبکه‌های مجازی ارتباط جمعی و استقلال بیشتر فعالیت اعضای خانواده، حضور خانواده در نشیمن، آشپزخانه باز (آپن)، نشیمن و پذیرایی یکپارچه و افزایش سطوح شفاف
حضور مستمر مهمان در خانه تفکیک فضای مهمان غریبه از فضای خانوادگی، بستن ارتباط پذیرایی و آشپزخانه	کاهش حضور مهمان غریبه در خانه ادغام فضای مهمان و خانواده، باز شدن جداره آشپزخانه به پذیرایی	کاهش حضور مهمان، کاهش التزام به توصیه‌های دینی، ادغام فضای مهمان و خانواده، کاهش بازی، مهمانی و مراسم‌های پرسروصدا در خانه	کاهش حضور مهمان، کاهش التزام به توصیه‌های دینی، ادغام فضای مهمان و خانواده، کاهش بازی، مهمانی و مراسم‌های پرسروصدا در خانه	کاهش حضور مهمان، کاهش التزام به توصیه‌های دینی، ادغام فضای مهمان و خانواده، کاهش بازی، مهمانی و مراسم‌های پرسروصدا در خانه
رابطه دوستانه و رفت‌وآمد با همسایه، روابط همسایگی در معابر	کاهش رابطه و رفت‌وآمد با همسایه و روابط همسایگی در معابر تحت تأثیر هنجارها و فضاهای سکونت	حذف تدریجی روابط همسایگی در معابر و کاهش روابط همسایگی، حضور قوانین جدید برای شکل جدید واحدهای همسایگی	حذف تدریجی روابط همسایگی در معابر و کاهش روابط همسایگی، حضور قوانین جدید برای شکل جدید واحدهای همسایگی	حذف تدریجی روابط همسایگی در معابر و کاهش روابط همسایگی، حضور قوانین جدید برای شکل جدید واحدهای همسایگی

اولیه و متأخر آپارتمانی کسی برای فعالیت‌های زیستی نام برده از حیاط استفاده‌ای نداشت و تنها در ۲۱ درصد آنها کودکان در حیاط بازی می‌کردند. ۷۱ درصد از گونه‌های آپارتمانی اولیه از حیاط آپارتمان به‌عنوان پارکینگ خودروها استفاده می‌کردند، اما با اختصاصی شدن پارکینگ‌ها از اواسط دهه ۸۰، این مسئله در گونه‌های متأخر آپارتمانی دیده نشد (جدول ۶).

مسائل زیست‌محیطی: همه مصاحبه‌شوندگان گونه‌های آپارتمانی اهمیت نورگیری و تهویه طبیعی در فضاهای سکونت را مطرح کردند و در صورت داشتن نور و تهویه ابراز رضایتمندی و در صورت محرومیت از آن (حتی به‌صورت موضعی) ابراز ناراضیاتی کردند. ۱۵ درصد از ساکنین ویلایی و ۴۳ درصد از ساکنین آپارتمانی با وجود رضایت نسبی از بخاری گازی، به ترجیح استفاده از پکیج و رادیاتور اشاره کردند و ۱۴ درصد (یک نفر) از گونه‌های متأخر آپارتمانی از پکیج و رادیاتور ناراضی بودند و ۵ درصد از گونه‌های ویلایی و ۷ درصد از ساکنین گونه آپارتمانی از کولر آبی ناراضی بودند و ۱۴ درصد (یک نفر) از گونه‌های آپارتمانی متأخر گرمایش از کف و ۱۴ درصد (یک نفر) از گونه‌های آپارتمانی متأخر تهویه مطبوع را ترجیح می‌دادند. مصاحبه‌شوندگانی که پارکینگ نداشتند و یا به‌صورت اشتراکی استفاده می‌کردند، داشتن پارکینگ اختصاصی را ضرورت می‌دانستند و ۷۱ درصد از مصاحبه‌شوندگان آپارتمانی متأخر از داشتن پارکینگ اختصاصی ابراز رضایت کردند یا حتی به داشتن پارکینگ اضافه میل بودند (جدول ۶).

در نهایت از ۸ نفر خانم در بازه سنی ۴۰ سال و کمتر ۶۲/۵ درصد خانه آپارتمانی را بر ویلایی ترجیح می‌دادند و ۱۲/۵ درصد نظری نداده بودند و ۲۵ درصد ویلایی را ترجیح می‌دادند. درحالی‌که از ۴ خانم مصاحبه‌شوندگان بالای ۵۰ سال فقط یک نفر (۲۵ درصد) زندگی در خانه آپارتمانی را ترجیح می‌داد و ۷۵ درصد موافق زندگی در خانه ویلایی بودند. علت این مسئله جمعیت بیشتر و در نتیجه احساس امنیت بیشتر در زندگی آپارتمانی و در یکی از موارد (بالای ۵۰ سال) سهولت نظافت و نگهداری واحد آپارتمانی ذکر شد. برعکس، هیچ‌یک از آقایان مصاحبه شده، خانه آپارتمانی را بر ویلایی ترجیح ندادند و ۹۵ درصد ارجحیت خانه ویلایی را به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم در مصاحبه اظهار کرده بودند.

تحلیل یافته‌ها

در ادامه با توجه به مدل‌های نظری پژوهش به تحلیل محتوای

مشاهده‌ها و مصاحبه‌های صورت گرفته در گام میدانی می‌پردازیم. برای این مقصود براساس دسته‌بندی چارچوب نظری پژوهش و با توجه به تحولات مشاهده شده، میزان سطح پایایی و پویایی در هریک از مفاهیم اعتبار شده در حوزه‌های گرایش‌های فردی، اجتماعی و گرایش به طبیعت در منابع و قواعد هریک از گونه‌های سکونت در جداول و نمودارهای جمع‌بندی نمایش داده شده است. در امتیازدهی به میزان پایایی و پویایی از سه سطح پایا با ۲ نمره به پایایی (صفر نمره به پویایی) و بینابین با ۱ نمره به پایایی و ۱ نمره به پویایی و پویا با ۲ نمره به پویایی (صفر نمره به پایایی) استفاده شده است. (جدول ۷) در این راستا منابع فقهی، پویایی چندانی نداشته‌اند اما در بسیاری موارد مانند احکام حوزه مهمان و همسایه و غیره منابع جدیدی مانند رسانه‌ها و شبکه‌های ارتباط جمعی و الگوهای غربی به منابع تولید فرمان اضافه شده‌اند. در ادامه بر اساس امتیازات ارزیابی شده در نمودارهای تصاویر (۴-۶) مؤلفه‌های مختلف ارکان ساخت (منابع و قواعد) فضاهای سکونت و فاکتورهای مختلف از گرایش‌های فردی و اجتماعی و گرایش به طبیعت به تصویر کشیده شده است.

پایایی و پویایی هویت فرهنگی در فضاهای سکونت کرمانشاه در دهه‌های مطالعه شده در هر یک از گرایش‌ها و مؤلفه‌های آن یا در هر یک از مؤلفه‌های ساخت و یا در هرگونه سکونت قابل بررسی است. سطح پایایی و پویایی در هر یک از مؤلفه‌های گرایش‌های فردی، اجتماعی و گرایش به طبیعت، در نمودار تصویر (۴) و برآیند آن در تصویر (۵) به تصویر کشیده شده است.

در حوزه گرایش‌های فردی در حوزه بهداشت و سلامت، حذف تدریجی پیش‌ورودی در منابع تخصیص، به علت تحولات اقلیمی کرمانشاه و تاسیسات نوین گرمایش و سرمایش و در قواعد و هنجارهای ساکنین، تمایل آن‌ها به گشودگی و وسعت بیشتر فضاها و تغییر منابع تولید فرمان بوده است. در این حوزه فضاهای بهداشتی بیشترین تأثیر را در گونه اولیه ویلایی از قواعد و الزامات قانونی (راه یافتن سرویس و آشپزخانه به فضای داخلی)، و در گونه‌های بعدی به ترتیب از منابع تخصیص و قواعد و الزامات قانونی، هنجارهای ساکنین و منابع فقهی داشته‌اند. بیشترین تأثیر در حوزه هنر و زیبایی به ترتیب در تحولات منابع تخصیص و در هنجارها به تجمل‌گرایی و تنوع طلبی و تغییر منابع تولید فرمان از سنت‌های ایرانی به الگوهای غربی، خصوصاً در ورود سبک‌های کلاسیک و رومی بوده است. اهمیت حریم خصوصی در منابع تولید فرمان و هنجارها و ارزش‌های ساکنین کاهش چندانی نداشته و در استقلال بیشتر فضاهای داخلی

جدول ۶. گزارش یافته‌ها در گرایش انسان به طبیعت و محیط زیست در گونه‌های سکونت مطالعه شده.

گونه	ویلایی اولیه	ویلایی متأخر	آپارتمانی اولیه	آپارتمانی متأخر
زیست‌محیطی	تنوع فعالیت‌های زیستی در حیاط (خوردن و خوابیدن و بازی و ...) حضور گیاهان و درختان میوه و حوض آب در حیاط، حیاط دارای حریم خصوصی	حضور تدریجی خودرو در حیاط، تنوع فعالیت‌های زیستی در حیاط (خوردن و خوابیدن و بازی و ...)، حضور گیاهان و درختان میوه و حذف حوض	حضور خودرو در حیاط، استفاده اشتراکی از حیاط (مشاعات)، کاهش یا حذف باغچه از حیاط، از بین رفتن حریم فضاهای باز و نیمه‌باز، جایگزینی بالکن برای برخی کاربری‌های حیاط، قوانین مشاعات و پارکینگ	حذف خودرو از حیاط و انتقال آن به پارکینگ اختصاصی با اجرایی شدن قوانین پارکینگ و مشاعات، استفاده اشتراکی از حیاط، گسترش بلندمرتبه‌سازی و از بین رفتن حریم فضاهای باز و نیمه‌باز، کاهش سطح فضای باز
آبادزیست‌محیطی	گرمایش با بخاری نفتی و سرمایش با پنکه و کولر آبی دستی	گرمایش با بخاری گازی و سرمایش با کولر آبی سقفی	گرمایش با پکیج و شومینه گازی و گاهی موتورخانه و شومینه با کولر آبی	گرمایش با پکیج و شومینه گازی و گاهی گرمایش با کولر آبی و سرمایش با کولر آبی و رواج شیشه‌های دوجداره و عایق‌ها
آبادزیست‌محیطی	نورگیری و تهویه طبیعی غالب فضاها	نورگیری و تهویه طبیعی غالب فضاها	کاهش نورگیری و تهویه طبیعی با افزایش بلندمرتبه‌سازی	کاهش نورگیری و تهویه طبیعی با افزایش تراکم ساخت و کاهش سطح فضای باز

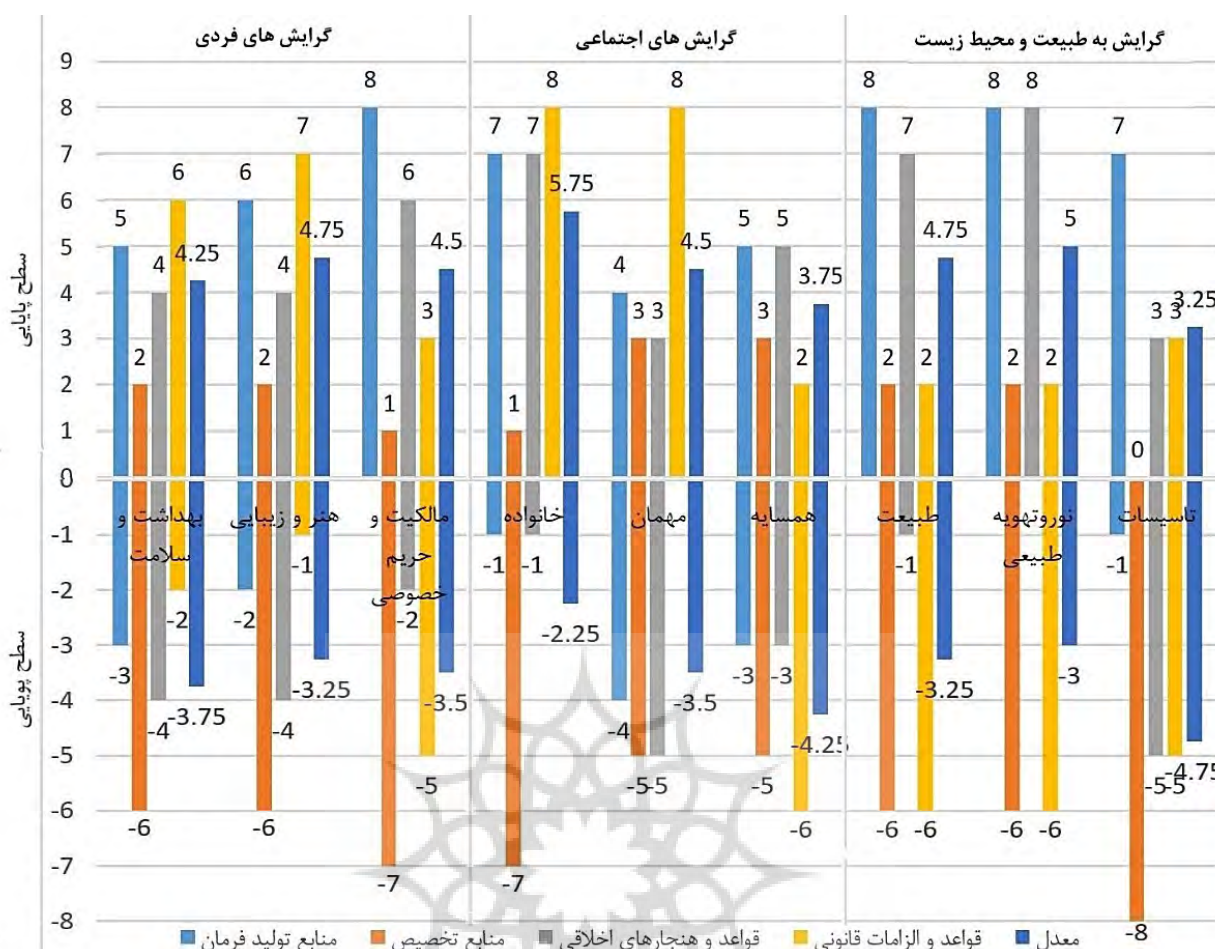
پایایی و پویایی هویت فرهنگی در فضاهای سکونت معاصر: موردپژوهی:
فضاهای سکونت کرمانشاه از سال ۱۳۶۰ تا کنون

جدول ۷. سطح پایایی و پویایی منابع و قواعد در هریک از حوزه‌های فضاهای سکونت.

مجموع پایایی*	مجموع پویایی*	گرایش به طبیعت			گرایش‌های اجتماعی			گرایش‌های فردی			حوزه	
		محیط زیست (تور و تهره طبیعی)	محیط زیست (تور و تهره طبیعی)	طبیعت (فضای باز)	همسایه	همان	خانواده	مالکیت و حریم خصوصی	هنر و زیبایی	بهداشت و سلامت	گونه سکونتی	ساخت
۰	۱۸	پایا	پایا	پایا	پایا	پایا	پایا	پایا	پایا	پایا	ویلايي اولیه	منابع تولید فرمان**
۲	۱۶	پایا	پایا	پایا	پایا	بین‌الین	پایا	پایا	پایا	بین‌الین	ویلايي متأخر	
۴	۱۴	پایا	پایا	پایا	بین‌الین	بین‌الین	پایا	پایا	بین‌الین	بین‌الین	آپارتمانی اولیه	
۸	۱۰	بین‌الین	پایا	پایا	پویا	پویا	بین‌الین	پایا	بین‌الین	بین‌الین	آپارتمانی متأخر	
*	۵۸	۷	۸	۸	۵	۴	۷	۸	۶	۵	مجموع پایایی	
۱۴	*	۱	۰	۰	۳	۴	۱	۰	۲	۳	مجموع پویایی	
۸	۱۰	پویا	بین‌الین	بین‌الین	پایا	پایا	بین‌الین	بین‌الین	بین‌الین	بین‌الین	ویلايي اولیه	منابع تخصیص
۱۲	۶	پویا	بین‌الین	بین‌الین	بین‌الین	بین‌الین	پویا	پویا	بین‌الین	بین‌الین	ویلايي متأخر	
۱۸	۰	پویا	پویا	پویا	پویا	پویا	پویا	پویا	پویا	پویا	آپارتمانی اولیه	
۱۸	۰	پویا	پویا	پویا	پویا	پویا	پویا	پویا	پویا	پویا	آپارتمانی متأخر	
*	۱۶	۰	۲	۲	۳	۳	۱	۱	۲	۲	مجموع پایایی	
۵۶	*	۸	۶	۶	۵	۵	۷	۷	۶	۶	مجموع پویایی	
۰	۱۸	پایا	پایا	پایا	پایا	پایا	پایا	پایا	پایا	پایا	ویلايي اولیه	قواعد و هنجارهای اخلاقی
۴	۱۴	بین‌الین	پایا	پایا	پایا	بین‌الین	پایا	پایا	بین‌الین	بین‌الین	ویلايي متأخر	
۸	۱۰	پویا	پایا	پایا	بین‌الین	پویا	پایا	بین‌الین	بین‌الین	بین‌الین	آپارتمانی اولیه	
۱۳	۵	پویا	پایا	بین‌الین	پویا	پویا	بین‌الین	بین‌الین	پویا	پویا	آپارتمانی متأخر	
*	۴۷	۳	۸	۷	۵	۳	۷	۶	۴	۴	مجموع پایایی	
۲۵	*	۵	۰	۱	۳	۵	۱	۲	۴	۴	مجموع پویایی	
۴	۱۴	بین‌الین	بین‌الین	بین‌الین	بین‌الین	پایا	پایا	پایا	پایا	پایا	ویلايي اولیه	قواعد و الزامات قانونی
۵	۱۳	بین‌الین	بین‌الین	بین‌الین	بین‌الین	پایا	پایا	بین‌الین	پایا	پایا	ویلايي متأخر	
۱۰	۸	بین‌الین	پویا	پویا	پویا	پایا	پایا	پویا	پایا	بین‌الین	آپارتمانی اولیه	
۱۲	۶	پویا	پویا	پویا	پویا	پایا	پایا	پویا	بین‌الین	بین‌الین	آپارتمانی متأخر	
*	۴۱	۳	۲	۲	۲	۸	۸	۳	۷	۶	مجموع پایایی	
۳۳	*	۵	۶	۶	۶	۰	۰	۵	۱	۲	مجموع پویایی	
*	۱۶۲	۱۳	۲۰	۱۹	۱۵	۱۸	۲۳	۱۷	۱۹	۱۷	مجموع پایایی*	
۱۲۶	*	۱۹	۱۲	۱۳	۱۷	۱۴	۹	۱۵	۱۳	۱۵	مجموع پویایی*	

از فضاهای سکونت انتقال یافته‌اند و با کم‌رنگ شدن و حذف مهمان غریبه از فضای سکونت، اُپن شدن و کاهش حریم فضای آشپزخانه رایج‌تر می‌شود و با کاهش حریم فضای آشپزخانه، حذف مهمان غریبه از فضاهای سکونت اهمیت بیشتری پیدا می‌کند (رابطه متقابل ساخت و عامل). مفاهیم مهمان و خانواده بیشترین تأثیر را از تغییر تدریجی ارزش‌ها و هنجارهای ساکنین داشته‌اند و منابع فقهی پایا بوده و قوانین نیز به حوزه خانواده و مهمان ورود نکرده‌اند. همسایگی بیشترین تأثیر را از تغییر تدریجی ارزش‌ها و هنجارهای ساکنین و پویایی منابع تخصیص و

نمود یافته، اما تحت الشعاع بلندمرتبه‌سازی‌ها قرار گرفته و این مسئله از مهم‌ترین فاکتورهای تمایل ساکنین به خانه‌های ویلايي بوده است. در حوزه گرایش‌های اجتماعی کم شدن رفت‌وآمد مهمان و مدت حضور آن در خانه خصوصاً با کوچک‌تر شدن واحدهای سکونت، کاهش اهمیت فضای مهمان و حذف فضای مستقل پذیرایی از مهمان و ادغام آن با نشیمن خانوادگی و خارج شدن اتاق استراحت مهمان از اولویت را در پی داشته است و بیشتر مهمانی‌ها، جشن‌ها و مراسم‌های پر سروصدا نیز عموماً به علت اشتراکی شدن فضاهای سکونت در آپارتمان‌ها به خارج



تصویر ۴. سطح پایایی و بی‌پایایی در هر یک از حوزه‌های فضاهای سکونت‌ی در گونه‌های سکونت‌ی مورد مطالعه.

مؤلفه‌های ساخت (منابع و قواعد) فضاهای سکونتی منابع تولید فرمان به عنوان فقه و سنت، از بیشترین سطح پايیای برخوردار است، اما می‌توان گفت که ورود جامعه به عرصه تجدد و وسایل ارتباط جمعی و توسعه روزافزون استفاده از شبکه‌های اجتماعی منابع جدیدی را به منابع تولیدکننده فرمان در شکل‌گیری هنجارهای جامعه و خانواده افزوده که ساخت خانواده و سکونت‌راحت الشعاع قرار داده است. این مسئله بیشتر در نمودار (۶) در مؤلفه هنجارهای ساکنین منعکس شده که به همین منظور در رتبه دوم پايیای قرار گرفته است. بیشترین سطح پويیای را نیز در منابع تخصیص و سپس قواعد و الزامات قانونی داشته‌ایم. تسريع پويیای در مورد بسیاری از قوانین به دنبال ورود منابع و فناوری‌های جدید ساخت مسکن و لزوم وضع استانداردهای لازم در به‌کارگیری آنها و هم‌چنین در راستای ارتقای کیفیت فضاهای سکونتی بوده است. در مورد گونه‌های سکونتی، بیشترین سطح پايیای را گونه‌های اولیه و ویلايی و بیشترین پويیای را در گونه‌های آپارتمانی متأخر داشته‌ایم، به شکلی که در دهه‌های مورد مطالعه شاهد افزایش تدریجی سطح پويیای در فضاهای سکونتی بوده‌ایم (تصویر ۶).

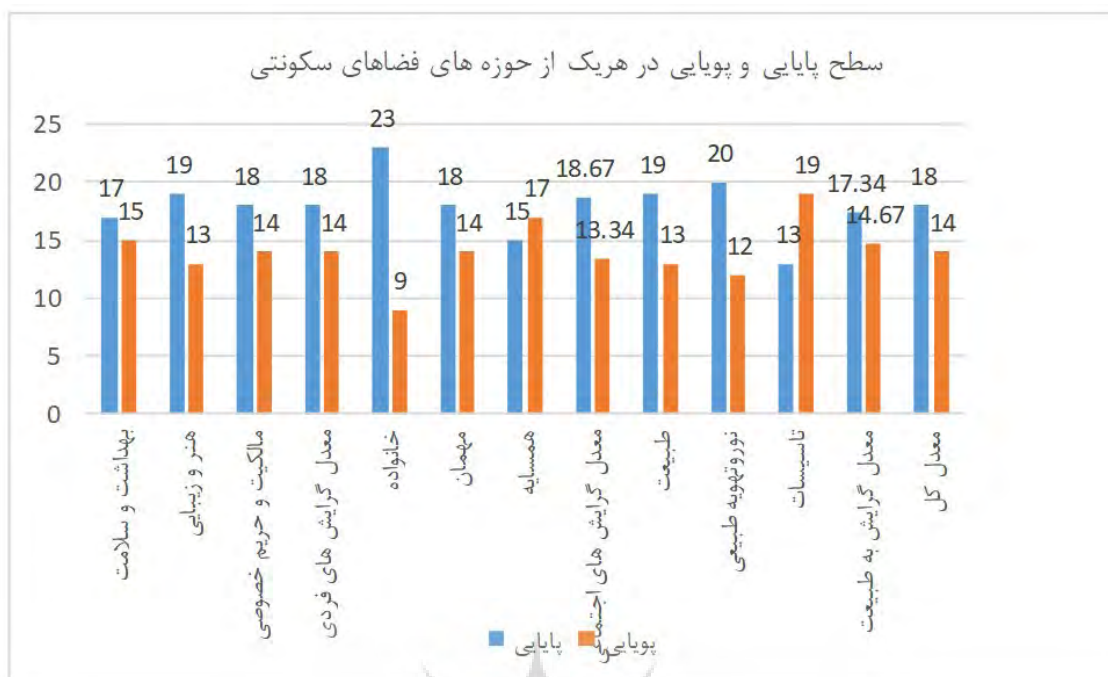
نتیجہ

در رویکرد فرهنگی، محیط فرهنگی جایگاه ویژه‌ای در تکوین، استمرار و تحولات هویت دارد. از این منظر فضاهای مسکونی، از دو بعد

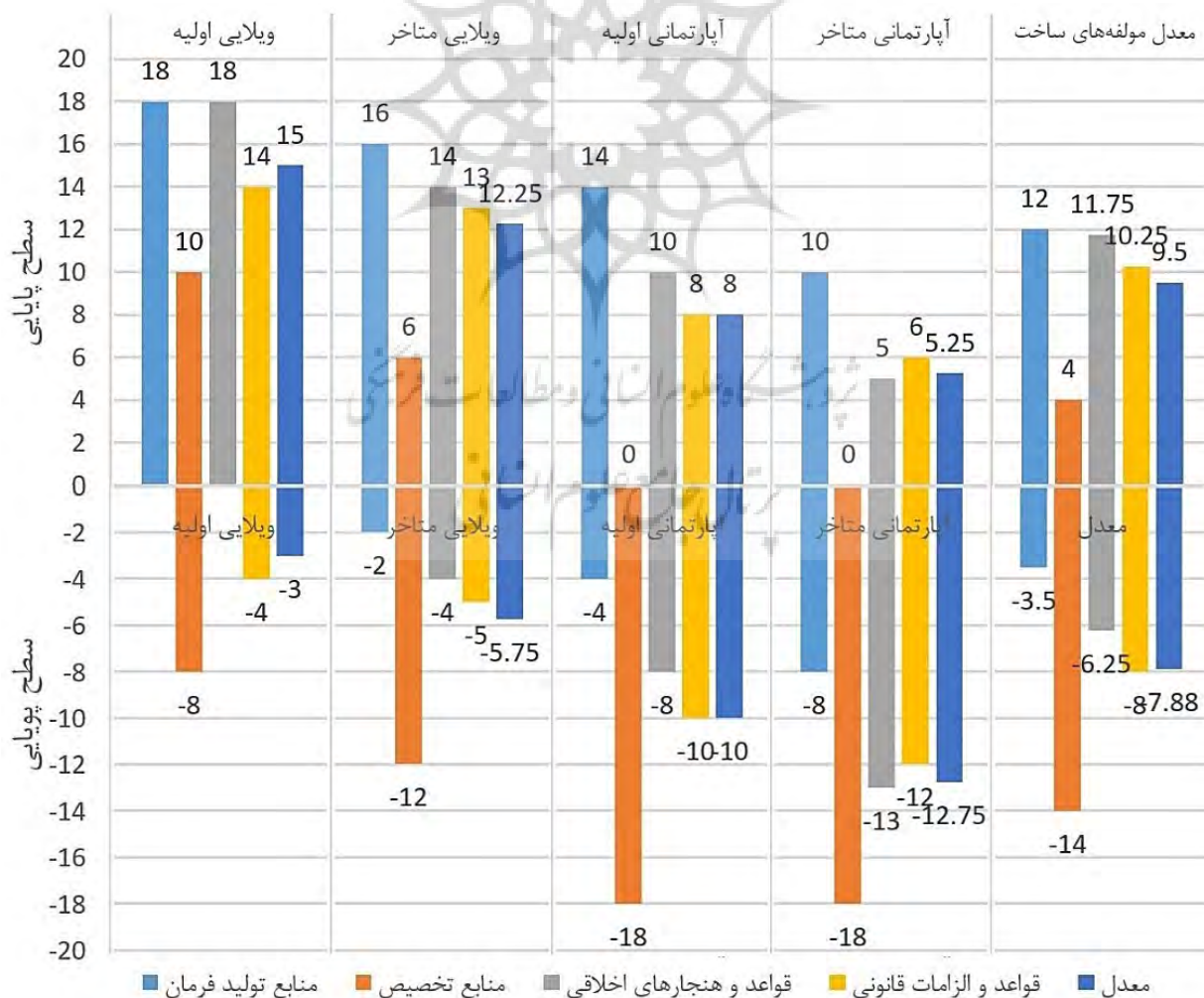
وضع قوانینی، برای واحدهای همسایگی، جدید داشته است.

در حوزه طبیعت و ابعاد زیست‌محیطی، کاهش ارتباط با طبیعت و سطح فضای باز و سبز فضاهای سکونت با کوچک شدن سهم خانواده‌ها از منابع تخصیص این حوزه و وضع قوانین و الزامات فضای باز و فضای سبز و نورگیرها و نحوه حضور اتومبیل رخ داده است. در حالی که بلندمرتبه‌سازی‌های دهه‌های ۸۰ و ۹۰، نور و تهویه طبیعی را به شدت تحت تأثیر قرار داده، قریب به اتفاق ساکنین، اهمیت و اولویت نورگیری و تهویه طبیعی در فضاهای سکونت را مطرح کردند. می‌توان گفت، در محدودیت‌های ناشی از «تورم و سوداگری در بازار مسکن و افزایش تراکم‌های ساختمانی»، مانند کاهش حریم خصوصی خانواده، کاهش حضور طبیعت، میزان نور و تهویه طبیعی و کاهش سطح فضای باز، فضای سبز و عرصه واحدهای سکونت با هنجارهای ساکنین ناهم‌سو و تقریباً در بقیه حوزه‌ها تغییر هویت فضاهای سکونت، با هویت فرهنگی و مناسبات خانواده همسو بوده است و قوانین و مصوبات متعددی، در راستای هم‌گرایی بیشتر هویت فرهنگی و فضاهای سکونت در این حوزه تصویب شده است. در نهایت بیشترین پایایی را در حوزه خانواده و بیشترین پویایی را در حوزه تأسیسات گرمایش و سرمایش داشته‌ایم (تصویر ۵).

سطح پایایی و پویایی در هرگونه سکونت و هریک از ارکان ساخت (منابع و قواعد) در نمودارهای شکل ۶ نمایش داده شده است. در



تصویر ۵. برآیند سطح پایایی و پویایی در هریک از حوزه های فضاهای سکونت مورد مطالعه.



تصویر ۶. سطح پایایی و پویایی در مؤلفه های ساخت (منابع و قواعد) گونه های سکونت مورد مطالعه.

هر یک از حوزه‌های گرایش‌های فردی، اجتماعی و گرایش به طبیعت تفاوت چشم‌گیری را نداشته است. (تصویر ۴) درخصوص نسبت پایایی و پویایی هویت فرهنگی با معماری می‌توان گفت که اگرچه این پویایی در برخی از مؤلفه‌ها شدت و ضعف بیشتری دارد، اما در بیشتر مؤلفه‌ها به‌صورت متناظر در فرهنگ خانواده و ساختار فضای سکونت مشهود است و مؤلفه‌های متناقض بین پایایی و پویایی هویت فرهنگی و معماری فضاهای سکونت به‌صورت نارضایتی ساکنین بروز یافته است. به‌عنوان مثال همچنان که رفت و آمد با مهمان در خانواده به‌تدریج کم‌رنگ می‌شود، فضای مستقل مهمان نیز رفته‌رفته اهمیت خود را از دست می‌دهد. همچنین با کم‌رنگ شدن و حذف مهمان‌گری به فضای سکونت، این شدن و کاهش حریم فضای آشپزخانه رایج‌تر می‌شود و با کاهش حریم خصوصی فضای آشپزخانه، حذف مهمان‌گری به فضاهای سکونت اهمیت بیشتری پیدا می‌کند (رابطه متقابل ساخت و عامل). در مورد مؤلفه‌های ساخت نیز می‌توان گفت که بیشترین پویایی در منابع تخصیص و کم‌ترین آن در منابع تولید فرمان بوده است. این مسئله باعث عدم رضایت ساکنین فضاهای سکونت از کم‌رنگ شدن برخی مفاهیم و مؤلفه‌های فرهنگی خود در گرایش‌های سه‌گانه فردی، اجتماعی و طبیعت و محیط زیست شده که امکان تحقق در فضاهای سکونت متاخر را نداشته‌اند. این عدم رضایت نشان از ناسازگاری فضای سکونت با هویت فرهنگی خانواده در مؤلفه‌های مذکور دارد. از آن جمله می‌توان مفاهیم مالکیت و حریم خصوصی در گرایش‌های فردی، مهمان در گرایش‌های اجتماعی و ارتباط با فضای باز و فضای سبز در گرایش به طبیعت را نام برد. در این راستا تمرکز بر نقاط تناقض در مؤلفه‌های هویت فرهنگی خانواده و معماری فضاهای مسکونی و ارائه راه کارهای عملی برای ارتقای سطح رضایت‌مندی ساکنین فضاهای سکونت، برای پژوهش‌های آتی توصیه می‌گردد. همچنین بسط مؤلفه‌های این پژوهش در گونه‌های مختلف فضاهای سکونت می‌تواند در تحقق پایایی این پژوهش ره‌گشا باشد.

هویتی واجد اهمیت است: از یک بعد به‌عنوان پدیده‌ای فرهنگی، بازتاب (نظام) معماری خانواده و مظهری برای نمایش ارزش‌های فرهنگی و از بعد دیگر به‌عنوان یک سیستم (نظام)، واجد ساختار شکل‌گیری کنش‌ها و رفتارهای فرهنگی. در این راستا در سطح مفاهیم و ارزش‌های فرهنگی حاکم بر فضاهای سکونت، با ارزش‌های موجود در علم اخلاق مواجهیم که قواعد و ساختارهایی در رابطه با هنجارها (بایدونباید‌های فرهنگی) تولید می‌کنند، یا در آن‌ها محقق می‌شوند. در سطح بعدی که الگوهای عینی فضاها شکل می‌گیرد، فعالیت‌های فرهنگی یا همان افعال، رفتارها و کنش‌های انسانی رخ می‌دهد که به‌صورت دوسویه بر هم تأثیرگذارند، یعنی هم کنش‌ها را شکل می‌دهند و هم در کنش‌ها محقق می‌گردند. در نتیجه در پاسخ به سؤال اول پژوهش در مورد نسبت هویت فرهنگی با معماری فضاهای سکونت می‌توان گفت که فرهنگ از نظر ساختار دادن به کنش‌های انسان و به دنبال آن، ساختاریافتن از کنش‌های انسان، به‌منزله ساخت عمل می‌کند. یعنی فرهنگ خانواده و سکونت، نظام معماری خانه و فضاهای سکونت را شکل می‌دهد. پس معماری فضای سکونت بازتولید فرهنگ سکونت و از طرف دیگر، بستر تحقق فرهنگ سکونت است. یعنی سنت‌ها و مناسبات بین اعضای خانواده، آداب و سنت‌های معماری فضاهای سکونت را شکل می‌دهد و آداب و سنت‌های معماری، بستر شکل‌گیری سنت‌ها و مناسبات بین اعضای خانواده می‌شود.

در پاسخ به سؤال دوم پژوهش در مورد نسبت پایایی و پویایی هویت فرهنگی با معماری فضاهای سکونت کرمانشاه در دهه‌های اخیر می‌توان گفت که از دهه ۶۰ تا کنون به‌تدریج از شدت پایایی هویت فرهنگی خانواده و معماری فضاهای سکونت کاسته و به‌صورت تصاعدی بر پویایی آن‌ها افزوده شده است. (تصویر ۶) این پویایی هم در مفاهیم و مؤلفه‌های فرهنگی و هم معماری فضاهای سکونت مشهود است و با وجود اینکه در هر یک از مؤلفه‌ها متفاوت بوده، اما در برآیند مؤلفه‌های

پی‌نوشت‌ها

1. Structuration.
2. Anthony Giddens.
3. rules.
4. resources.
5. authoritative resources.
6. allocative resources.
7. legal requirements (legitimation).
8. signification (norms).
9. open.

فهرست منابع

- آقایی مهر، معین (۱۴۰۰). تبیین پایایی و پویایی هویت فرهنگی در فضاهای سکونت (موردپژوهی: مجموعه‌های مسکونی منتخب شهر کرمانشاه). رساله برای اخذ درجه دکتري معماری اسلامی. به راهنمایی دکتر مینو قره‌بگلو و دکتر محمدتقی پیربابایی. دانشگاه هنر اسلامی تبریز، تبریز.
- آقایی مهر، معین و قره‌بگلو، مینو (۱۳۹۹). معاصر سازی هویت-مبنا؛ نمونه موردی: بافت‌های شهری معاصر ایران در دوره پهلوی. فصلنامه علمی پژوهشی نقش جهان، ۱۰ (۱)، ۱۱-۱۸. doi: 20.1001.1.23224991.1399.10.1.5.1
- آقایی مهر، معین؛ قره‌بگلو، مینو و پیربابایی، محمدتقی (۱۴۰۲). ساخت‌یابی معماری فضاهای سکونت با رویکرد فرهنگ ایرانی-اسلامی. نشریه علمی پژوهشی فرهنگ معماری و شهرسازی اسلامی، ۱۸ (۱)، ۲۰-۴۲.
- بلیکی، نورمن (۱۳۹۵). طراحی پژوهش‌های اجتماعی (ترجمه حسن چاوشیان). نشر نی، تهران. (چاپ اثر اصلی ۲۰۰۰).
- بهشتی‌نژاد، محمد (۱۴۰۱). نقد نظریه فرهنگی آنتونی گیدنز. نشریه سیاست‌پژوهی تحول در علوم انسانی، ۱ (۱)، ۲۷-۴۹.
- https://dor.isc.ac/dor/20.1001.1.23830263.1401.1.1.2.7
- پارسا، حمید (۱۴۰۰). جهان‌های اجتماعی. قم: انتشارات کتاب فردا.
- پارسا، حمید؛ دانایی‌فرد، حسن و حسینی، سیدابوالحسن. (۱۳۹۳). دلالت‌های نظریه اعتبارات برای تحول در علوم انسانی. فصلنامه علمی پژوهشی اسلام و مطالعات اجتماعی، ۲ (۱)، ۲۳-۴۸.
- https://ensani.ir/fa/article/408911
- پیربابایی، محمدتقی و ایرانشاهی، رحیم (۱۳۹۹). واکاوی نقش فرهنگ وقف در تکوین ارسن‌های شهری بر اساس نظریه ساخت‌یابی. نشریه فرهنگ معماری و شهرسازی اسلامی، ۵ (۲)، ۱۷-۳۶. doi: 10.29252/ciauj.5.2.17
- حسینی، سیدحمیدرضا و موسوی، هادی (۱۳۹۱). ساخت و عامل در نظریه اعتبارات علامه طباطبایی و نظریه ساخت‌یابی گیدنز. دوفصلنامه علمی پژوهشی نظریه‌های اجتماعی متفکران مسلمان، ۲ (۲)، ۱۲۹-۱۵۹.
- https://doi.org/10.22059/jstmt.2012.54306

society in the late modern age. Stanford University Press, California.

Giddens, A. (1997). *The constitution of society: Outline of the theory of structuration*. Cambridge Polity, New York City.

Jenkins, R. D. (2014). *Social identity*. Routledge, London.

Jung, C. G. (1969). *Structure and dynamics of the psyche*. Routledge, London.

Krippendorff, K. (2012). *Content analysis: An introduction to its methodology*. Sage Publication, London.

Lang, J. (1987). *Creation of architectural theory, the role of behavioral sciences in environmental design*. Van Nostrand Reinhold, New York City.

Lechet, J. (1994). *Fifty great contemporary thinkers: From structuralism to modernity*. Routledge Press, London.

Marcus, C. C. (2006). *House as a mirror of self: Exploring the deeper meaning of home*. Nicolas-Hays, Inc, Haltom City.

Rapoport, A. (1969). *House form and culture*. Prentice Hall Inc, New Jersey.

Rapoport, A. (2005). *Culture, architecture, and design*. Locke Science Publishing Co, Bryan.

Scapens R. W. & Macintosh, N. B. (1996). Structure and agency in management accounting research: A response to Boland's interpretive act. *Journal of Accounting, Organizations and Society*, 21(7-8) 675-690. [https://doi.org/10.1016/0361-3682\(95\)00049-6](https://doi.org/10.1016/0361-3682(95)00049-6)

Schultz, C. N. (1988). *A choice of architecture: meaning and place*. Rizzoli Publication, New York City.

Schultz, C. N. (2000). *Architecture: Presence, language and place*. Skira publisher, Milan.

Sewell Jr, W. H. (1992). A theory of structure: Duality, agency, and transformation. *American Journal of Sociology*, 98(1), 1-29. <https://doi.org/10.1086/229967>

Strauss, C. L. (1972). *Structural anthropology*. Penguin Books Ltd, London.

Tabatabai, M. S. (2008). *Social relations in Islam*. Book Garden press, Tehran. (In Persian)

سلیمانی، محمدرضا، اعتصام، ایرج، و حبیب، فرح (۱۳۹۵). بازشناسی مفهوم و اصول هویت در اثر معماری. *مجله علمی پژوهشی هویت شهر*، ۱۰ (۲۵)، <https://sid.ir/paper/154608/fa>. ۲۶-۱۵

صدیقی، بهرنگ. (۱۳۸۹). تئوری ساخت‌یابی گیدنز: پیامدهای تئوریک و روش شناختی و کاربرد عملی آن در جامعه‌شناسی. *فصلنامه پژوهش اجتماعی*، ۳ (۹)، ۱۴۲-۱۴۵. <https://sid.ir/paper/164866/fa>

طباطبایی، سید محمدحسین (۱۳۸۷). *روابط اجتماعی در اسلام*. قم: بوستان کتاب.

طباطبایی، سید محمدحسین (۱۳۹۸). *اصول فلسفه و روش رئالیسم* (جلد دوم). تهران: انتشارات صدرا.

قاسمی اصفهانی، مروارید (۱۳۹۴). *اهل کجا هستیم (هویت‌بخشی به بافت‌های مسکونی)*. تهران: نشر روزنه.

مهدوی‌نژاد، محمدجواد و آقایی‌مهر، معین (۱۳۹۹). *اصول و مبانی معاصر سازی، معماری معاصر در بافت‌های کهن، ارزشمند و تاریخی*. انتشارات دانشگاه تربیت مدرس، تهران.

Abel, C. (1997). *Architecture and identity: Towards a global eco-culture*. Architectural Press, Portland.

Berelson, B. (2000). *Content analysis in communication research*. Free Press.

Broadbent, J. (1980). An interview with Geoffrey Broadbent on meaning in architecture. *Journal of Faculty of Architecture*, 6(1), 7-30. <https://jfa.arch.metu.edu.tr/uploads/docs/sayilar/sayi-6-1/7-30.pdf>

Bryant, C. G. A., & Jary, D. (1991). *Introduction: Coming to terms with Anthony Giddens*. In *Giddens' theory of structuration: A critical appreciation*. Routledge, London.

Correa, C. (1983). *Architecture and identity*. Concept Media Pte Ltd, Singapore.

Frampton, K. (2007). *Critical regionalism, modern architecture and cultural identity*. In *Modern architecture: A critical history*. Thames and Hudson, London.

Giddens, A. (1990). *Consequences of modernity*. Stanford University Press, California.

Giddens, A. (1991). *Modernity and self-identity: Self and*